

نگرشی بر حدود اختیارات ضابطان دادگستری در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲

نصرت‌اله برین^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۹/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۲۳

از صفحه ۵۹ تا ۹۰

چکیده

زمینه و هدف: در طول تاریخ حیات بشری، این واقعیت غیرقابل کتمان است که در کنار آموزش‌های عمومی مورد نیاز جامعه، آموزش دروس حقوقی برای افرادی که در نهادهای صاحب قدرت ایفای نقش می‌کنند، به‌منظور جلوگیری از نقض حقوق مردم از اولویت بیشتری برخوردار است. یکی از سازمان‌هایی که در میان نهادهای حاکمیت به‌عنوان بازوی اجرایی نظام قضایی و حلقه ارتباطی بین دستگاه قضا و مردم، ارتباط بیشتری با همه طبقات جامعه داشته و عملکرد این نهاد به‌واسطه نقش مهم آن در تحقق عدالت کیفری، تأثیر برجسته‌ای در رعایت حقوق مردم بر جای می‌گذارد، مأمورین پلیس یا ضابطان دادگستری هستند.

روش تحقیق: این تحقیق از نظر هدف کاربردی و با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است.

یافته‌ها: آموزش به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین مؤلفه‌های اثرگذار بر نحوه عملکرد پلیس، بی‌تردید این زمینه را فراهم می‌سازد که پلیس در اتخاذ تدابیری جهت دفاع از حقوق شهروندان و جلوگیری از نقض آن ترغیب و موفق عمل کند. با توجه به تنوع جرایم در دنیای امروزی، وجود پلیس متخصص و آموزش‌دیده از ضرورت و اهمیت خاصی برخوردار است.

نتیجه‌گیری: قانون‌گذار در قانون آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ برای ارتقاء عملکرد ضابطان در زمینه رعایت قوانین و حقوق شهروندی، ضمن تبیین و تعیین وظایف و تکالیف جدیدی برای ضابطان دادگستری، بر لزوم فراگیری آموزش‌های لازم از سوی آنان تأکید نموده تا در نتیجه ارتقاء سطح دانش حقوقی، زمینه بهبود عملکردها در رعایت حقوق بزه‌دیدگان و متهمین در جریان دادرسی، کاهش اطاله دادرسی، اجرای عدالت کیفری و افزایش اعتماد عمومی و مشارکت وسیع مردم در فرایند تولید امنیت عمومی در سطح جامعه فراهم شود. در این نوشتار سعی می‌شود این آگاهی در خصوص وظایف ضابطان و اثربخشی آموزش در عملکرد آنان ارائه شود.

کلیدواژه‌ها: ضابطان دادگستری، آموزش، پلیس قضایی.

مقدمه

یکی از اولویت‌های کشورهای در اداره امور داخلی خود، برقراری نظم و امنیت است. امنیتی که بر پایه رضایتمندی شهروندان و کنترل اقتدارآمیز آن توسط دولت به‌عنوان مهم‌ترین نهاد تأمین‌کننده آن، استوار باشد. پلیس به‌عنوان ضابط قضایی نیز در ایجاد و استقرار امنیت و تنظیم روابط افراد و گروه‌های اجتماعی با یکدیگر در بستر صلح و آرامش نقش بسیار اساسی دارد که هرگونه ناکارآمدی در این زمینه، نظم اجتماعی را دچار ناهنجاری نموده و نقض حقوق را در ابعاد گوناگون ایجاد می‌کند.

فقدان آموزش‌های مناسب و عدم اطلاع ضابطان دادگستری از اصول ارزش‌های حقوق شهروندی و قوانین مربوط به آیین دادرسی کیفری می‌تواند منجر به نادیده گرفتن حقوق اساسی افراد جامعه، ناشی از سوء عملکردهای ضابطان دادگستری یا مأمورین پلیس شود؛ زیرا پایه و اساس رعایت حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی شهروندان، فراگیری آموزش‌های مربوط به این حقوق است؛ بنابراین طبیعی است اگر ضابطان دادگستری از حقوق فردی و اجتماعی آحاد مختلف جامعه اعم از شهروندان عادی، قربانیان یا مرتکبان جرم بی‌اطلاع باشند، نمی‌توانند به‌درستی وظایف خود را در برخورد با شهروندان یا متهمین و تبهکاران حرفه‌ای انجام دهند.

این واقعیت غیرقابل کتمان است که هر عملکرد خوب انسانی نتیجه آموزش و تربیت خوب و وجود رفتارهای مناسب ذی‌ربط برای پایداری و استمرار عملکردهای خوب است. بر اساس همین کلیت، آموزش عمومی و آموزش‌های خاص برای اқشار مختلف جامعه امری ضروری است. امروزه برای ارتقاء عملکرد ضابطان دادگستری در زمینه رعایت قوانین و مقررات در برخورد با مجرمین و رعایت حقوق شهروندان، قانون‌گذار هر از چند گاهی با ایجاد تغییرات مناسب در قانون، قاعده و استاندارد را تعریف می‌کند که همین امر باعث بهبود عملکردها و ارائه تصویر شایسته از پلیس نزد عموم مردم و افزایش محبوبیت عمومی شده و همین محبوبیت موجب شده تا مردم به پلیس کشور خود اعتماد کرده و در فرایند تولید امنیت، مشارکت وسیع نمایند و همواره یار و یاور پلیس باشند.

علاوه بر موضوع فوق، موضوعات مهمی چون رعایت حقوق شهروندی، حفظ نظم و امنیت اجتماعی و مشارکت در اجرای عدالت، مسئولیت‌های مدنی پلیس در حین انجام‌وظیفه، از دلایل دیگر اهمیت تحقیق حاضر است که پلیس الزاماً باید برای انجام مناسب مأموریت‌های قانونی به وظایف حقوقی آشنا بوده و حین انجام‌وظیفه آن‌ها را بامهارت و درایت اعمال نماید.

تعریف لغوی و اصطلاحی ضابط

به اعتبار حجم بسیار زیاد مأموریت‌ها و وظایف و تکالیفی که بر اساس قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ برای ضابطان و مأموران پلیس پیش‌بینی شده است، تقسیمات گوناگونی نیز برای ضابطان یا پلیس وجود دارد. این تقسیمات بر اساس نوع مأموریت یا واحد خدمت‌گیرنده یا شیوه عملکرد پلیس و مانند آن شکل گرفته و بسیار متنوع است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

مفهوم لغوی ضابط

«ضابط» لفظی عربی از ریشه «ضبط» به معنی نگهداری کردن است، در فرهنگ فارسی معانی مختلفی دارد، از جمله به معانی «فراهم آورنده، نگاه‌دارنده، شحنه، یکی از صفات حق تعالی^۱، حفظ‌کننده، حاکم، قائد، مرد باهوش، پلیس، پاسبان اداره شهربانی^۲، محفوظ دارنده، کارگزار، رئیس انتظامات شهر، حاکم و محصل مالیات، ممیز مالیات و مباشر^۳ و ... آمده است.

به‌هر تقدیر در ادبیات پارسی واژه‌هایی چون: «شحنه، قراول، امنیه، مأمور، دادبان، دادبک، شهربان، شرطه، کمیسر، کلانتر، ضابط، پلیس، ژاندارم و اخیراً بسیج، پاسدار و ...» هر کدام در مقطع خاصی از زمان رایج و در حال حاضر عمده این واژه‌ها اعتبار و استحکام خود را از دست داده و در متون حقوقی جدید به‌جای آن‌ها از کلمه مخصوص «ضابط» استفاده و ارائه مقصود می‌شود.

۱- دهخدا، علی‌اکبر. «لغت‌نامه دهخدا» جلد ۳۱، تهران: چاپ دانشگاه تهران ۱۳۳۰، حروف ص، ض.

۲- سیاح، ع، «فرهنگ جامع»، تهران: انتشارات اسلام، چاپ دوم، پاییز ۱۳۷۳، ص ۵۴۵.

۳- انصاف پور، غلامرضا. «فرهنگ لغات فارسی یک‌جلدی»، تهران: انتشارات زوار، چاپ اول، ۱۳۶۵، ص ۶۷۵.

تعریف اصطلاحی ضابط

برای روشن شدن مفهوم اصطلاحی «ضابط» به دلیل تلازم عقلی و عرفی این واژه با مرجع قضایی کشور، همان گونه که در متون حقوقی مدنظر استادان فن واقع شده است، بایستی اصطلاح «عدلیه» و یا به زبان امروزی «دادگستری» را بدان افزود، چه اینکه معنای شایع ضابط، استعمال آن در مرجع قضایی کشور به منظور استقرار امنیت و عدالت و جلوگیری از هرگونه هرج و مرج در عرصه حاکمیت نیازمند بازویی مقتدر است تا بتواند موجودیت خویش را حفظ نماید.

صاحب ترمینولوژی حقوق پیرامون اصطلاح «ضابط» چنین آورده است: «بلوک را به چند ناحیه تقسیم کرده و برای هر ناحیه اداره‌ای به عنوان اداره ناحیتی تأسیس و رئیس آن اداره (که نماینده وزارت کشور در آن ناحیه بود) را ضابط یا مباشر می‌گفتند که به تصویب نایب الحکومه ملوک و امضاء حاکم ولایت به سمت خود منصوب می‌شد و کدخدایان دهات تابع او بودند و حفظ امنیت و رفاه و نظم ناحیه‌ها به عهده ضابطان بود.^۱

همان طوری که از معانی مذکور برمی‌آید، ضابط دارای اختیارات وسیع چه در زمینه اجرایی و چه امور مالی بوده است و در تاریخ حتی بعضی اعمال مجازات‌ها نیز بدون صدور حکم محاکم شرعی یا عرفی توسط آنان به عمل می‌آمده است و اجرای مجازات محاکم به دست ضابطان به مورد اجرا گذاشته می‌شده است. به هر حال کلمه «ضابط» بیش از یک صد و بیست سال است که در متون حقوقی ایران ریشه دارد. این واژه ابتدا در قانونی بنام «قوانین موقتی محاکمات جزایی» ظاهر شد. قانون مذکور پس از اصلاحیه‌ای بنام «قانون آئین دادرسی کیفری» در عرصه حقوق ایران پدیدار شد و علی‌رغم تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در بسیاری از موارد همچنان اعتبار و استحکام خود را حفظ کرده است.

ضابطان در قوانین مختلف آیین دادرسی کیفری

قانون آیین دادرسی کیفری، از مهم‌ترین قوانین پایه‌ای و اساسی هر کشور بوده که

۱- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. «ترمینولوژی حقوق»، تهران: گنج دانش، چاپ پنجم، زمستان ۱۳۷۰، شماره‌های

بخش مهمی از نظم عمومی کیفری و عدالت کیفری از طریق آن اجرا می‌شود. این قانون در ایران نخستین بار در سال ۱۲۹۰ ویژه محاکم جزایی و برای دادرسیها تصویب شد. مقررات نظام قضایی و دادرسی و آیین دادرسی کیفری در ایران، طی سه دهه گذشته، چندین بار دچار تغییرات کلی شده است. تغییرات مزبور، علاوه بر سازمان‌دهی نظام دادرسی کیفری، خود موجب بروز بی‌نظمی و نابهنجاری متعددی در سیستم قضایی و وضعیت حقوق شهروندی شده و در هر مقطع نیز تعریف جدیدی از ضابطان و وظایف آنان ارائه شده است.

پلیس به‌عنوان ضابط دادگستری که عهده‌دار اجرای مقررات و امنیت داخلی یک کشور و اعمال قدرت قانونی برای ایجاد آرامش در جامعه، حمایت از قانون اساسی، تأمین نظم عمومی و حفظ جان و مال و ناموس اشخاص بوده و به علت حجم عظیم مأموریت‌ها روزانه با جرایم متنوعی از جمله خریدوفروش، تولید و نگهداری انواع مواد مخدر سنتی و صنعتی، قاچاق، جرائم سازمان‌یافته، اقسام سرقت، گروگان‌گیری، زورگیری، کلاهبرداری، جرایم رایانه‌ای و سایبری، کیف‌قاپی، جعل اسناد، تجاوز به عنف، شرارت، نزاع و ... مواجه است، از جایگاه ویژه‌ای در نظام قضایی کشور برخوردار بوده و بر همین اساس در هر مقطعی از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری، بخشی از قانون به تعریف و تشریح وظایف و تکالیف ضابطان دادگستری اختصاص یافته است.

تعریف ضابطان در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۲۹۰: ماده ۱۹ قانون آ.د.ک مصوب ۱۲۹۰ در تعریف ضابطان دادگستری چنین آورده بود: «ضابطان عدلیه عبارت‌اند از مأمورینی که مکلف‌اند به تفتیش و کشف جرایم (خلاف، جنحه و جنایت) و به اقداماتی که برای جلوگیری از فرار یا مخفی شدن مرتکب یا متهم، موافق مقررات قانون باید به عمل آید».

تعریف ضابطان در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸: ماده ۱۵ قانون آ.د.ع.ا در امور کیفری ۱۳۷۸ نیز در تعریف ضابطان مقرر داشته است «ضابطان دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات مقام قضایی در کشف جرم و بازجویی مقدماتی و حفظ آثار و دلایل جرم و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم

و ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی به موجب قانون اقدام می‌نمایند». تعریف ضابطان در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲: ماده ۲۸ قانون آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۰۴ نیز ضابطان دادگستری را چنین تعریف کرده است «ضابطان دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی، به موجب قانون اقدام می‌کنند».

طبقه‌بندی ضابطان دادگستری

بی‌شک تأمین امنیت و استقرار عدالت و نظارت بر حسن اجرای قوانین و جلوگیری از ایجاد هرج و مرج و تضمین حقوق و آزادی‌های مردم، نیازمند وجود نیرویی است که مجری اوامر و فرامین قضایی باشد. بر این مبنا، این نیرو بایستی منبعث از قانون بوده و قانون‌گذار بر سلسله اقدامات و عملیات وی صحنه‌گذار باشد. اشخاصی که ضابط دادگستری به شمار می‌آیند بایستی توسط قانون تعیین و معرفی شوند. مادام که قانون کسی را به‌عنوان ضابط تعیین و معرفی نکرده و او را به رسمیت نشناخته نمی‌توان او را ضابط دادگستری دانست و وظایف و تکالیفی را برای وی لحاظ نمود. قانون‌گذار در قوانین متفرقه به مناسبت‌های خاص، برخی مأمورین وابسته به وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت را پس از شرح وظایف آنان به‌عنوان ضابط دادگستری تعیین و وظایف آنان را حین انجام‌وظیفه و برخورد با وقوع جرم تصریح کرده بود، باین‌حال در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۰ این امر را مسکوت گذاشته بود.

با تصویب قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹/۴/۲۷ وظایف شهربانی و ژاندارمری و کمیته و پلیس قضایی به‌عنوان ضابط عام دادگستری به نیروی انتظامی محول شد. به موجب ماده ۲ قانون مذکور: «نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران سازمانی است مسلح در تابعیت فرماندهی معظم کل قوا و وابسته به وزارت کشور» که بر اساس تبصره ذیل آن «فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران از طرف فرمانده کل قوا منصوب می‌گردد».

در میان ضابطان دادگستری، نیروی انتظامی جامع و کامل‌ترین مصداق ضابطان عام است. نیروی انتظامی صلاحیت اقدام در مورد کلیه جرایم به‌جز آنچه قانون منع کرده را دارد. حتی در جرایمی که طبق موازین قانونی در صلاحیت ضابطان خاص و موردی است، نیروی انتظامی مکلف به همکاری با ضابطان خاص است.

وظایف ضابط بودن نیروی انتظامی همان وظایفی است که در بند ۸ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی و در ماده ۱۵ آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب ۱۳۷۸ اشاره شده و عبارت‌اند از: ۱- مبارزه با مواد مخدر ۲- مبارزه با قاچاق ۳- مبارزه با منکرات و فساد ۴- پیشگیری از وقوع جرایم ۵- کشف جرایم ۶- بازرسی و تحقیق ۷- حفظ آثار جرایم و دلایل جرم ۸- دستگیری متهمان و مجرمین و جلوگیری از فرار و اختفاء آنان ۹- ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی.

در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۰۴ برخلاف قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ که نیروی انتظامی را به‌صورت کلی ضابطان دادگستری معرفی کرده بود، ضابطان خاص از ضابطان عام به‌صورت مشخص تفکیک شده است. ماده ۲۹ قانون آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ ضابطان دادگستری را به دودسته به شرح ذیل تقسیم نموده است:

الف) ضابطان عام شامل: فرماندهان، افسران و درجه‌داران آموزش‌دیده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران.

ب) ضابطان خاص شامل: مقامات و مأمورانی که به‌موجب قوانین خاص در حدود وظایف محول شده ضابط دادگستری محسوب می‌شوند از قبیل روسا، معاونین و مأموران زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان، مأموران وزارت اطلاعات و مأموران نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. همچنین سایر نیروهای مسلح در مواردی که به‌موجب قانون یا مصوبه شورای عالی امنیت ملی، تمام یا برخی از وظایف ضابطان به آنان محول شود، ضابط محسوب می‌شوند. البته برابر ماده ۳ قانون اصلاح قانون آیین دادرسی کیفری به بند «ب» ماده (۲۹) بعد از مأموران وزارت اطلاعات «سازمان اطلاعات سپاه» نیز به فهرست ضابطان خاص اضافه شده است.

تفاوتی که این دودسته ضابطان با یکدیگر دارند، این است که ضابطان عام حق تفتیش نسبت به کلیه جرایم را دارند، مگر آنچه قانون استثناء کرده باشد و ضابطان خاص حق دخالت در هیچ جرمی را ندارند مگر آنچه قانون صریحاً تجویز کرده است. در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب اسفند ۱۳۹۲، علاوه بر تفکیک و تعیین ضابطان دادگستری به عنوان ضابطان عام و خاص، برابر تبصره ذیل ماده ۲۹ قانون مزبور، کارکنان وظیفه از شمول ضابطان دادگستری خارج شده، اما می‌توانند تحت نظارت ضابطان مربوط در واحدهای انتظامی انجام وظیفه نموده که مسئولیت اقدامات انجام‌شده در این مورد با ضابطان پایور است. در ماده ۳۰ همین قانون نیز به توصیف و تدقیق مشخصات ضابطان دادگستری و تشریح وظایف قانونی آن‌ها در مواد بعدی پرداخته است. بر اساس این ماده، «حراز عنوان ضابط دادگستری، علاوه بر وثاقت و مورد اعتماد بودن، منوط به فراگیری مهارت‌های لازم با گذراندن دوره‌های آموزشی زیر نظر مرجع قضایی مربوط و تحصیل کارت ویژه ضابطان دادگستری است و تحقیقات و اقدامات صورت گرفته از سوی اشخاص فاقد این کارت، ممنوع و از نظر قانونی بدون اعتبار است».

در حالی که در ق.آ.د.ک ۱۳۷۸ اولاً دارا بودن درجه و ثانیاً آموزش دیده بودن از شرایطی که ضابط می‌بایست دارا باشد نبوده است. الزام مزبور به عنوان یکی از نوآوری‌ها و ابتکارات مؤثر و مناسب قانون آ.د.ک ۱۳۹۲ نسبت به ضابطان دادگستری محسوب شده و در جهت تضمین رعایت حقوق شهروندان و مردم و ایجاد امکان اعتبار لازم و مورد انتظار نسبت به انجام و اجرای وظایف آن‌ها تلقی می‌گردد و قانون سابق فاقد وصف مزبور بوده است.

نکته جالب توجه که در تبصره یک ماده ۴۵ قانون آ.د.ک ۱۳۹۲ آمده، این است که در صورتی که برخی جرایم احصاء شده در این قانون به صورت مشهود واقع شود، در صورت عدم حضور ضابطان، تمامی شهروندان می‌توانند اقدامات لازم را برای جلوگیری از فرار مرتکب جرم و حفظ صحنه جرم به عمل آورند. اینجاست که می‌توان تعارض بین این تبصره و ماده ۳۰ که حتی سربازان وظیفه، اعضای پلیس افتخاری به‌ویژه کادر سطح یک آن و کارمندان شاغل در مجموعه ناجا نیز در ردیف

ضابطان عام نیاورده است را مشاهده نمود.

همان طور که ملاحظه شد طبق بند «ب» ماده ۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیروهای مسلح در عداد ضابطان خاص دادگستری که عبارت‌اند از: مقامات و مأمورانی که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محول شده ضابط دادگستری قلمداد شده و همچنین سایر نیروهای مسلح در مواردی که به موجب قانون یا مصوبه شورای عالی امنیت ملی، تمام یا برخی وظایف ضابطان به آنان محول شود، ضابط محسوب می‌شوند.

فلسفه و علل پیدایش ضابطان دادگستری

امنیت اجتماعی بخشی از مفهوم امنیت ملی است. امنیت ملی نتیجه وجود نظم اجتماعی است و این دو مقوله لازم و ملزوم یکدیگرند. جامعه بدون نظم، فاقد امنیت است و نبودن امنیت حاکی از عدم وجود نظام اجتماعی سامان یافته، مقتدر و مسلط بر اوضاع است. تحقق امنیت ملی و نظم اجتماعی به هیچ وجه میسر نمی‌شود، مگر آنکه افراد جامعه با آگاهی کامل از حدود آزادی‌ها و ممنوعیت‌های قانونی و میزان نحوه اعمال مجازات‌ها برای رعایت رژیم قانونی بودن حقوق کیفری و تضمین مصالح فردی و اجتماعی، سازمانی متشکل از نیروهای انسانی ورزیده و مجرب و آشنا به حقوق فرد و جامعه به منظور حفظ نظم و امنیت و آسایش شهروندان را پاسداری نماید.

اساساً پلیس به چه منظوری تشکیل می‌شود؟ فلسفه‌ی وجودی این قدرت کنترل‌کننده چیست؟ تشکیل هر سازمانی علت خاصی دارد. مهم‌ترین علت «ضرورت و نیاز» یک جامعه است که دستگاهی را به وجود می‌آورد یا آن را منحل می‌سازد. علت پیدایش پلیس منوط به چند امر است:

۱- علت اساسی به وجود آمدن این نیرو، اقتضای نظم عمومی است. به عبارتی هرگاه مقرر شود که رابطه افراد جامعه بر اساس رعایت حقوق یکدیگر و عدم تجاوز به حقوق دیگران استوار شود، ضمانت‌اجرایی این امر مستلزم تأسیس نیرویی است که بتواند ناظر بر اجرای دقیق آن باشد. به همین علت تنها وضع و تصویب و اعلام قانون نمی‌تواند موجب استقرار نظم و امنیت در جامعه باشد، بلکه قبل از آن بایستی

نظم و امنیتی برقرار باشد تا قوه مقننه بتواند آزادانه و در محیطی امن به قانون گذاری بپردازد.

۲- پلیس ابزاری جهت اجرای قانون است. هرگاه نظم و امنیت داخلی مختل شود، در این صورت وظیفه پلیس حفظ نظم و تأمین امنیت نیست، بلکه در این حالت مداخله پلیس برای اجرای قانون و اعمال مجازات نسبت به متجاوز است و این اقدام به دو منظور صورت می گیرد:

الف) هشدار به کسانی که ممکن است به قانون اهمیت نداده یا مرتکب جرم شوند.
ب) به مجازات رساندن کسانی که با تجاوز به حقوق قانونی، نظم و امنیت را برهم زده اند.

۳- نیاز عمومی جامعه به پلیس به منظور ارائه خدمت به شهروندان، از دیگر علل وجودی پلیس است. بسیار اتفاق می افتد که شهروندان به وجود پلیس نیاز پیدا می کنند، بدون آنکه این نیاز با نظم یا اجرای قانون مرتبط باشد، در چنین مواردی خدمات پلیس بیشتر به دلایل صلاحیت و اعتمادی است که برای وی قائل شده اند؛ مانند نگهداری افراد گم شده، مسن، مجانین و دیوانگان و فراریان از منزل توسط پلیس و اطلاع به خانواده ها و انتقال آن ها که در این حالت بیشتر «سیستم پلیسی خدمت» پدیدار می شود.

۴- گاهی توسعه فعالیت های جامعه در شئون مختلف تجاری، اقتصادی، ورود و خروج افراد، کالاها و ... ایجاد سازمانی بنام پلیس را ضروری می سازد. هرچند در این حالت تلفیقی از سه علت یادشده به مورد اجرا گذاشته می شود، لیکن به علت تخصصی بودن قضایا حضور پلیس ضرورت پیدا می نماید؛ زیرا تصادف رانندگی، خنثی سازی بمب، کنترل ورود و خروج مسافران از مرزها و فرودگاه ها و ... نیاز به افراد متخصص دارد که تعلیمات لازم را دیده باشند. همچنین پیدایش جامعه صنعتی و به وجود آمدن روابط بین دولت ها، اختراع هواپیما و اتومبیل و کشتی، مؤثر بودن اخذ اثر انگشت و نمونه برداری از خون و ... از دیگر عوامل ایجاد پلیس است. با توجه به مراتب فوق می توان چنین نتیجه گیری کرد:

الف) پلیس برای برقراری نظم عمومی به وجود می آید، در چنین حالتی پلیس عامل

کنترل اجتماع است.

ب) پلیس برای اجرای قانون، دستگیری متخلفین و مجرمین به وجود می‌آید، در این صورت پلیس پیرو دستورهای قانون است.

پ) پلیس برای ارائه خدمت و تأمین نیازهای شهروندان ایجاد می‌شود.

مع‌الوصف باوجود روشن شدن وظایف فوق و اهداف مذکور، در بسیاری از کشورها پلیس برای برقراری نظم سیاسی «حفظ حیات و موجودیت دولت‌ها» ایجاد می‌شود و به‌صورت عاملی برای سرکوبی و رویارویی با مردم درآمده است. در این‌گونه جوامع، پلیس عاملی در دست حکومت‌هاست که از اهداف خویش دورافتاده است.^۱

منابع اقتدار ضابطان دادگستری در حقوق فطری

منشأ و مبنای اقتدار به دو واژه «حق» و «تکلیف» برمی‌گردد. از دیرباز دانشمندان کوشیده‌اند که سرچشمه پیدایش حقوق و تکالیف بشری را بازشناسند. در این تلاش، چهار نظریه به شرح ذیل داده شده است:

۱- منشأ حقوق و تکالیف خداوند است.

۲- منشأ حقوق و تکالیف فطرت آدمی است.

۳- زندگی اجتماعی در هر مرحله، نظامی دارد و برای حفظ این نظام، به‌خودی‌خود و به‌طور طبیعی بین افراد، روابط حقوقی برقرار می‌شود، بر این اساس منشأ حقوق و تکالیف، اجتماع است.

۴- در هر جامعه منشأ حق، دولت است؛ زیرا حقوق، قواعدی است که حاکم بر روابط و اعمال افراد انسانی است؛ بنابراین فقط از طرف مقامی که مافوق افراد است ممکن است وضع شود.^۲

دولت جمعیتی از افراد بشر است که سرزمین معینی را به‌طور دائم در تصرف خود دارد و از لحاظ سیاسی تحت حکومتی متشکل شده و تقریباً به‌طور کامل از سلطه و

۱- میر شفیعیان، بی‌نا. «جزوه آموزشی پلیس و اجتماع»، تهران: انتشارات آریا، سازمان پلیس قضایی، چاپ اول، ۱۳۵۵، ص ۴۲.

۲- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. «مقدمه عمومی علم حقوق»، تهران: گنج دانش، چاپ احمدی، چاپ دوم، ۱۳۶۹، صص ۱۶ و ۱۷.

کنترل خارجی آزاد است و برای برقراری نظم و در قلمرو خود دارای قدرت اجبار کننده است. برای برقراری نظم و ایجاد امنیت داخلی و خارجی و تأمین رفاه مردم، از طرف خود دولت اختراع شده است. این ابزار اختراعی امور عمومی را تنظیم، سیاست عمومی را اعمال و بالاخره منافع و خیر عموم را گسترش می‌دهد.^۱

اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر داشته است: «حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچ کس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد و ملت این حق را از طرقی که در اصول بعدی می‌آید اعمال می‌کند»^۲.

آنچه به وجود هر نهاد یا مؤسسه اداری، سیاسی، نظامی و انتظامی مشروعیت قانونی می‌بخشد، اراده عمومی توده‌های مردمی است، نقش جامعه ملی در مشروعیت بخشیدن به قدرت و اقتدار هر نهاد سیاسی بر کسی پوشیده نبوده و نیست.

بنابراین فطرت، مصلحت، عقل، عدل، عرف یا حمایت اجتماعی از مأمورین مجری قانون از جمله منابع اقتدار پلیس و ضابطان دادگستری محسوب می‌شوند. هرچند گاهی اوقات به علت رشد اجتماعی و توسعه اقتصادی یک کشور، قانون‌گذار ممکن است مواردی را پیش‌بینی نکرده باشد، درحالی‌که مردم عملاً با آن‌ها روبه‌رو شده باشند، به همین جهت وقتی پلیس مطمئن شود که در صورت مداخله با حمایت اجتماعی مواجه می‌شود، جدیت بیشتری نشان خواهد داد.

واضح است که اخبار و اطلاعات و حوادث یک کشور از طرق مختلف ممکن است به سایر نقاط دنیا منعکس شود، پلیس و ضابطان دادگستری باید از این امر بهره کامل برده و در ارائه عملکرد خود با متصدیان و نویسندگان روزنامه‌ها که در امور جنایی و پلیسی فعالیت دارند رابطه‌ای مستقیم برقرار کنند، هرگاه فعالیت‌ها و تلاش‌های ضابطان دادگستری در امر چگونگی استقرار نظم و امنیت عمومی، دستگیری عاملین جرم و جنایت برای مردم بازگو شود، طبقات مختلف جامعه از

۱- عالیخانی، محمد. «حقوق اساسی»، تهران: انتشارات دستان، چاپ اول، ۱۳۷۳، صص ۳۵ و ۴۵.

۲- کاتوزیان، ناصر. «مقدمه عمومی علم حقوق»، تهران: انتشارات بهمن، چاپ دوازدهم، مهرماه ۱۳۶۹، ص ۶۳.

عملکرد پلیس حمایت می‌کنند و او را بیش‌ازپیش در ایفای رسالت خطیر خویش یاری می‌نمایند.

منابع اقتدار ضابطان دادگستری در حقوق موضوعه

برای بررسی وضعیت و موجودیت یک سازمان بایستی ابتدا جایگاه قانونی آن را شناخت تا بتوان درباره ماهیت آن اظهارنظر کرد. هرگاه افرادی را از نظر رابطه استخدامی تابع ضابطان دادگستری دانستیم، با اجتماع این افراد، مجموعه ضابطان شکل گرفته و چون اقدامات آنان مستقیماً بر سرنوشت خصوصی افراد یک جامعه تأثیر می‌گذارد، بایستی مبنای مشروعیت مداخله آن‌ها را در زندگی فردی و اجتماعی افراد مورد شناسایی قرار داد.

ضابطان دادگستری با کسب اجازه از مقامات بالاتر در زندگی روزمره افراد دخالت‌های گوناگونی دارند، این دخالت‌ها غالباً در معاینه و تحقیقات محلی، تعقیب و مراقبت، پست‌های ایست‌وبازرسی، انجام تحقیقات محسوس و غیر محسوس، بازجویی‌های مقدماتی، بازرسی و تفتیش منازل و اماکن خصوصی و عمومی و دستگیری و بازداشت افراد به‌طور محسوس به چشم می‌خورد. مهم‌ترین منابع اقتدار ضابطان دادگستری عبارت‌اند از:

۱- **قانون اساسی:** قانونی که تشکیلات و روابط قدرت‌های عمومی و اصول مهم حقوق عمومی یک کشور را در بردارد، قانون اساسی آن کشور است که به‌عنوان اصلی‌ترین منبع اقتدار و صلاحیت ضابطان دادگستری در حقوق موضوعه به شمار می‌رود. چون قانون اساسی موردقبول اکثریت جامعه است و مفاد اصول آن، برگرفته از خواسته‌های مردم است، اجرای آن در جهت تحقق خواسته‌های مردم توسط پلیس یا ضابطان دادگستری جزء وظایف اولیه آن‌هاست. منشأ اقتدار ضابطان دادگستری قانون اساسی و قوانین عادی است. از این رو ضابطان دادگستری ضمن آنکه بایستی از قانون اساسی و حقوق مقررره عامه مردم اطلاع کافی داشته باشند، ملزم به شناسایی این حقوق برای مردم نیز هستند. به استناد اصل ۱۷۲ قانون اساسی که قانون‌گذار به «ضابط دادگستری» بودن بخشی از نیروی انتظامی اشاره صریح دارد، بتوان منبع اقتدار این نیرو را قانون اساسی دانست.

۲- **قوانین عادی:** منظور از قوانین عادی، قوانینی است که روابط قوای حاکم بر کشور و اختیارات آن را مورد بحث قرار داده و با قانون اساسی مغایرت نداشته باشد. قانون گذار صریحاً حدود اقتدار و صلاحیت ضابطان دادگستری را در قانون اساسی ذکر نکرده، لذا بایستی این موضوع را در قوانین عادی جستجو کرد؛ زیرا رویه معمول قانون گذاری ایجاب می کند که عمومات قانونی در قانون اساسی مطرح شود و قوه مقننه در وضع و تصویب قوانین عادی، ویژگی ها، خصوصیات و جزء جزء قضایا را منعکس نماید. بر همین مبنا می توان یکی دیگر از منابع اقتدار ضابطان دادگستری را قوانین عادی اعم از قانون مجازات اسلامی و قانون آئین دادرسی کیفری دانست، چه اگر ضابطان دادگستری به منظور برقراری نظم و امنیت در محلی حضور یابند و طرفین درگیر یا اشخاص دیگری به مداخله آنها اعتراض یا مقاومت نشان دهند یا در قبال دستورهای پلیس سرکشی و نافرمانی نمایند، اعتراض، مقاومت و تمرد اشخاص در مقابل ضابطان از نظر عرف حقوقی و رویه قضایی، مقاومت و مبارزه در برابر اقتدار و صلاحیت ضابطان دادگستری است و این امر در قوانین جزایی جرم محسوب و مستوجب مجازات است. اینکه قانون گذار این موضوع را جرم دانسته، نشانگر اقتدار و صلاحیت قانونی ضابطان دادگستری است که در قوانین عادی مدنظر قرار گرفته است.

۳- **آراء وحدت رویه قضایی و نظرات حقوقدانان:** از دیگر منابع اقتدار ضابطان دادگستری آراء وحدت رویه قضایی و نظرات اندیشمندان و حقوقدانان است. بی تردید نظرات اندیشمندان و حقوقدانان در قالب «دکترین» از یک طرف سبب پختگی و استحکام قوانین و از طرف دیگر با در نظر داشتن مناسبت های اجتماعی و نیازهای عمومی و مقتضیات زمان و مکان سازنده آراء وحدت رویه قضایی و در نتیجه به عنوان یکی از منابع اقتدار ضابطان دادگستری محسوب می شوند.

ضرورت آموزش حقوقی ضابطان دادگستری

آموزش و فراگیری نقش مهمی در زمینه اعمال قانون بازی می کند و پلیس می آموزد که چه اموری را باید رعایت کند. جایگاه های مختلف پلیس مستلزم سطوح مختلفی از دانش و آموزش است. یکی از مهم ترین مزایای آموزش، تجهیز پلیس به خرد و

حکمت است. پلیس به‌عنوان حافظ جان، مال، آب‌رو و حیثیت شهروندان وظیفه خطیر و دشواری پیش‌رو دارد و قابل‌دسترس‌ترین شخص است که افراد هنگام مواجهه با انواع خطرات، به او متوسل می‌شوند تا از حمایت معنوی و فیزیکی وی بهره‌مند شوند. پلیس به‌منزله یک شهروند عادی و معمولی در نظر گرفته نمی‌شود. او وظیفه دارد در مواقع بروز خطر از قبیل حمله و تعرض به اشخاص از جان آنان حمایت کند، یا در صورت تعرض به اموال شهروندان، از نیروی بازدارنده خود استفاده کند. چنانچه حیثیت و کرامت انسانی موردتهاجم واقع شود، پلیس وظیفه دارد اقدامات مناسب و ضروری که فوریت امر ایجاب می‌کند به عمل آورد. در تمامی مواردی که پلیس، اختیارات قانونی خود را اعمال می‌کند یا وظایف و تکالیف مقرر را به مرحله اجرا درمی‌آورد این احتمال وجود دارد که خساراتی وارد شود.

بی‌تردید یکی از عوامل مهم که نقش تعیین‌کننده‌ای در سازمان‌های مذکور از جمله پلیس در فرایند انجام‌وظیفه قانونی خود دارد، آموزش قواعد و اصول حقوق است؛ زیرا پلیس (نیروی انتظامی) یکی از نیروهای اجتماعی پیچیده و چندوجهی در جامعه است. کارکردهای این نیروی اجتماعی همانند دیگر نیروهای اجتماعی تابعی از تحولات، درجه پیشرفت و سطوح پیچیدگی جامعه است.

ضابطان دادگستری بخشی از نیروی انسانی دستگاه عدالت کیفری محسوب شده و لازم است ضمن فراگیری آموزش‌های لازم تحت تعلیمات دادستان و دیگر مقامات قضایی، با قوانین، ضوابط، اصول و قواعد حاکم بر وظایف و اختیارات خود آشنایی کامل پیدا کنند. لذا ضروری است با طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی مناسب در جهت ارتقاء سطح دانش، تخصص و مهارت این افراد گام برداشته‌شده تا در سایه برخورد قاطع با متصرفین به حقوق عمومی جامعه، احقاق حقوق بزه دیدگان، تسریع در روند رسیدگی به پرونده‌های قضایی، کاهش اطاله دادرسی و ... زمینه اجرای عدالت کیفری و توسعه قضایی مناسب در کشور که خواست عمومی ملت‌ها و آحاد جامعه به‌خصوص در کشور عزیزمان ایران است، به نحو شایسته‌ای فراهم شود.

اهمیت آموزش ضابطان در فرایند دادرسی و کشف جرم

آموزش، تخصص‌گرایی و مدیریت منابع انسانی به‌عنوان ابزاری مهم در تحقق اهداف سازمانی و کارایی سازمان‌ها مورد توجه مدیران اجرایی و حتی مدیران عالی سازمان‌های دولتی و خصوصی است. با توجه به اهمیت و ضرورت آموزش، سازمان‌ها نیازهای آموزشی کارکنان خود را مشخص می‌کنند تا برنامه آموزشی مناسب را تدارک ببینند. یکی از مهم‌ترین مراحل رسیدگی به جرم، مرحله کشف جرم می‌باشد. به‌گونه‌ای که می‌توان گفت سنگ‌بنای دادرسی‌های کیفری مرحله کشف جرم است؛ چراکه اقدام به موقع در کشف جرم، حفظ صحنه جرم، جمع‌آوری دلایل و مدارک وقوع جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن مظنونین و متهمین می‌تواند سرنوشت پرونده کیفری را از همان ابتدا مشخص نماید.

مرحله کشف جرم، پیچیده‌ترین و حساس‌ترین مرحله دادرسی است که از سوی قانون‌گذار این وظیفه بر عهده ضابطان دادگستری گذاشته شده است. این مرحله است که سرنوشت قضایی متهم را تعیین می‌کند. ممکن است او را از تعقیب کیفری معاف سازد یا به پای میز محاکمه بکشاند. هرگاه در این مرحله، دلایل و قرائن کافی علیه متهم جمع‌آوری شود، با صدور قرار مجرمیت و متعاقب آن صدور کیفرخواست، پرونده جهت رسیدگی به دادگاه جزایی ارسال می‌شود، در غیر این صورت برحسب مورد قرار منع یا موقوفی تعقیب برای متهم صادر می‌شود.

درواقع آنچه در کشف جرم و تحقیقات مقدماتی مدنظر پلیس است، کشف حقیقت است. مجموعه اقدامات پلیس برای کشف جرم یا به تعبیری حقیقت‌واقعه که در اصطلاح حقوقی «تحقیقات پلیسی» نامیده می‌شود را می‌توان در یک کلام به تلاش پلیس در تحصیل دلیل خلاصه نمود. به‌عبارتی دیگر گاهی لازمه یافتن حقیقت این است که دلایل بی‌گناهی متهم نیز جمع‌آوری شود. کشف جرم باید به‌گونه‌ای باشد که علاوه بر تأمین منافع جامعه، شهروند بی‌گناه را در اثبات بی‌گناهی‌اش یاری کند. این مهم جز در سایه گذراندن دوره‌های آموزشی ضمن خدمت یگانی و کسب آموزش‌های تخصصی زیر نظر مقامات قضایی توسط ضابطان دادگستری، آشنایی کامل آنان به قوانین و مقررات حقوقی در زمینه‌های مختلف از جمله رعایت حقوق متهم و شناخت کامل ضابطان دادگستری از حدود اختیارات و وظایف قانونی خود،

محقق نخواهد شد.

نقش آموزش در کاهش اطلاع دادرسی

اطاله دادرسی به معنای طولانی شدن جریان رسیدگی به پرونده ها در مراجع قضایی است که در حقیقت به مانند آینه‌ای، کاستی‌های ریشه‌دار در پیکره نظام قضایی را منعکس می‌کند. این موضوع به خاطر تضييع حقوق عمومی سبب نارضایتی عمومی، کاهش اعتماد به دستگاه قضایی، کاهش عدالت و امنیت در سطح کشور، کاهش اقتدار قوه قضائیه و مهم‌تر از همه، به خاطر ایجاد فاصله بین کیفر و عمل مجرمانه اثر بازدارندگی مجازات را کاهش می‌دهد. مشکلات ناشی از نحوه قانون‌گذاری، کمبود نیروی انسانی و کثرت پرونده‌های قضایی، ضعف آموزش ضابطان دادگستری و ... را از جمله عوامل اطلاع دادرسی یا به عبارتی کاهش کیفیت دادرسی می‌توان نام برد.

راهکارهای کلان مقابله با اطلاع دادرسی نیز عبارت‌اند از: تأمین نیروی انسانی، اصلاح قوانین، بالا بردن سطح آگاهی از طریق آموزش همگانی، استفاده از فناوری در ثبت، بایگانی و ارسال مراسلات، ارتقاء سطح زندگی ضابطان دادگستری که باعث افزایش آرامش روانی برای ایفای وظایف و تمرکز کافی برای رسیدگی به موقع به پرونده‌ها و تسریع در روند دادرسی می‌شود. گرچه تحقق این مهم نیازمند اقدامات گسترده‌تر در زمینه‌های مختلف است، لیکن امید آن می‌رود که در پرتو تدوین آیین‌نامه اجرایی تبصره ۲ ماده ۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مبنی بر ارتقاء سطح آموزش ضابطان دادگستری، نقش مهمی در کاهش اطلاع دادرسی ایفاء شود.

وظایف و تکالیف مقرر در قانون آ.د.ک ۱۳۹۲ برای ضابطان دادگستری

با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری در چهارم اسفند ۱۳۹۲، صرف‌نظر از نقاط قوت و ضعف یا ابتکارات و نوآوری‌های آن، تکالیف و مسئولیت‌های متعددی نیز برای ضابطان دادگستری به‌عنوان بازوان اجرایی قوه قضائیه پیش‌بینی شده که مهم‌ترین این وظایف و مسئولیت‌ها عبارت‌اند از:

- رعایت حقوق شهروندی

برابر ماده ۷ قانون مرقوم در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی

مقرر در «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵» از سوی تمام مقامات قضائی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرآیند دادرسی مداخله دارند، الزامی است. متخلفان علاوه بر جبران خسارات وارده، به مجازات مقرر در ماده (۵۷۰) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۴/۴ محکوم می‌شوند، مگر آنکه در سایر قوانین مجازات شدیدتری مقرر شده باشد.

- الزام ضابطان به اجرای دستور دادستان و سایر مقامات قضایی

بر اساس ماده ۳۵ ضابطان دادگستری مکلفاند در اسرع وقت و در مدتی که دادستان یا مقام قضائی مربوط تعیین می‌کند، نسبت به انجام دستورها و تکمیل پرونده اقدام نمایند. چنانچه اجرای دستور یا تکمیل پرونده میسر نشود، ضابطان باید در پایان مهلت تعیین شده، گزارش آن را با ذکر علت برای دادستان یا مقام قضائی مربوط ارسال کنند.

- پذیرش شکایت‌های کتبی و شفاهی

به استناد ماده ۳۷ ضابطان دادگستری موظفاند شکایت کتبی یا شفاهی را همه‌وقت قبول کنند. شکایت شفاهی در صورت مجلس قید و به امضای شاکی می‌رسد، اگر شاکی نتواند امضاء کند یا سواد نداشته باشد، مراتب در صورت مجلس قید و انطباق شکایت شفاهی با مندرجات صورت مجلس تصدیق می‌شود. ضابطان دادگستری مکلفاند پس از دریافت شکایت، به شاکی رسید تحویل و به‌فوریت پرونده را نزد دادستان ارسال کنند.

- آگاه کردن شاکی از حق درخواست جبران خسارت و بهره‌مندی از حق مشاوره

برابر ماده ۳۸ ضابطان دادگستری مکلفاند شاکی را از حق درخواست جبران خسارت (ماده ۱۴) و بهره‌مندی از خدمات مشاوره‌ای موجود و سایر معاضدت‌های حقوقی (تبصره ۲ ماده ۶۶ و تبصره ماده ۳۴۷) آگاه سازند. همچنین بر اساس ماده ۳۹ ضابطان دادگستری مکلفاند اظهارات شاکی در مورد ضرر و زیان وارده را در گزارش خود به مراجع قضائی ذکر کنند.

- عدم افشای اطلاعات و اخذ تأمین از متهمین

به استناد مواد ۴۰ و ۴۱ قانون مذکور افشای اطلاعات مربوط به هویت و محل اقامت بزه دیده، شهود و مطلعان و سایر اشخاص مرتبط با پرونده توسط ضابطان دادگستری، جز در مواردی که قانون معین می‌کند، ممنوع بوده و ضابطان دادگستری به هیچ‌وجه اختیار اخذ تأمین از متهم را نداشته و مقامات قضائی نیز نمی‌توانند اخذ تأمین را به آنان محول نمایند. در هر صورت هرگاه اخذ تأمین از متهم ضرورت داشته باشد، تنها توسط مقام قضائی طبق مقررات این قانون اقدام می‌شود.

- چگونگی انجام تحقیقات از افراد نابالغ یا زمان مردد بودن قراین جرم

برابر مواد ۴۲ و ۴۳ قانون مرقوم بازجویی و تحقیقات از زنان و افراد نابالغ در صورت امکان باید توسط ضابطان آموزش دیده زن و با رعایت موازین شرعی انجام شده و هرگاه قرائن و امارات مربوط به وقوع جرم مورد تردید است یا اطلاعات ضابطان دادگستری از منابع موثق نیست، آنان باید پیش از اطلاع به دادستان، بدون داشتن حق تفتیش و بازرسی یا احضار و جلب اشخاص، تحقیقات لازم را به عمل آورند و نتیجه آن را به دادستان گزارش دهند. دادستان با توجه به این گزارش، دستور تکمیل تحقیقات را صادر و یا تصمیم قضائی مناسب را اتخاذ می‌کند.

- وظایف ضابطان در جرایم مشهود و غیر مشهود

بر اساس آنچه از مفاد ماده ۴۴ قانون آ.د.ک برمی‌آید ضابطان دادگستری به محض اطلاع از وقوع جرم، در جرائم غیر مشهود بایستی مراتب را برای کسب تکلیف و اخذ دستورهای لازم به دادستان اعلام کرده و دادستان نیز پس از بررسی لازم، دستور ادامه تحقیقات را صادر یا تصمیم قضائی مناسب اتخاذ می‌کند.

ضابطان دادگستری درباره جرائم مشهود، تمام اقدامات لازم را به منظور حفظ آلات، ادوات، آثار، علائم و ادله وقوع جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم و یا تبانی، به عمل آورده، تحقیقات لازم را انجام داده و بلافاصله نتایج و مدارک به دست آمده را به اطلاع دادستان می‌رسانند. همچنین چنانچه شاهد یا مطلعی در صحنه وقوع جرم حضور داشته باشد؛ اسم، نشانی، شماره تلفن و سایر مشخصات ایشان را اخذ و در پرونده درج می‌کنند.

ضابطان دادگستری در اجرای این ماده و ذیل ماده (۴۶) این قانون فقط در صورتی می‌توانند متهم را بازداشت نمایند که قرائن و امارات قوی بر ارتکاب جرم مشهود توسط وی وجود داشته باشد.

- ضرورت انعکاس فوری گزارش اقدامات به دادستان

به استناد ماده ۴۶ ضابطان دادگستری مکلفاند نتیجه اقدامات خود را فوری به دادستان اطلاع دهند. چنانچه دادستان اقدامات انجام شده را کافی نداند، می‌تواند تکمیل آن را بخواهد. در این صورت، ضابطان باید طبق دستور دادستان تحقیقات و اقدامات قانونی را برای کشف جرم و تکمیل تحقیقات به عمل آورند، اما نمی‌توانند متهم را تحت نظر نگهدارند.

چنانچه در جرائم مشهود، نگهداری متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، ضابطان باید موضوع اتهام و ادله آن را بلافاصله و به‌طور کتبی به متهم ابلاغ و تفهیم کنند و مراتب را فوری برای اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع دادستان برسانند. در هر حال، ضابطان نمی‌توانند بیش از بیست و چهار ساعت متهم را تحت نظر قرار دهند.

- حق داشتن وکیل برای متهم

برابر ماده ۴۸ با شروع تحت نظر قرار گرفتن، متهم می‌تواند تقاضای حضور وکیل نماید. وکیل باید با رعایت و توجه به محرمانه بودن تحقیقات و مذاکرات، با شخص تحت نظر ملاقات نماید و وکیل می‌تواند در پایان ملاقات با متهم که نباید بیش از یک ساعت باشد ملاحظات کتبی خود را برای درج در پرونده ارائه دهد.

جرائم سازمان‌یافته موضوع ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، سرقت، مواد مخدر و روان گردان (حتی استفاده)، جرائم موضوع بندهای (الف) جرایم موجب مجازات سلب حیات، (ب) حبس ابد و (پ) قطع عضو، جنایات عمدی موجب ثلث دیه و بالاتر ماده (۳۰۲) این قانون تا یک هفته پس از شروع تحت نظر قرار گرفتن امکان ملاقات با وکیل را ندارد.

- ضرورت اعلام اسامی افراد تحت نظری به دادستان

به محض آنکه متهم یا متهمین تحت نظر قرار گرفتند، باید حداکثر ظرف یک ساعت

به هر طریق ممکن، مشخصات سجلی، شغل، نشانی، علت تحت نظر قرار گرفتن و ... به دادرسی محل اعلام شود. دادستان هر شهرستان با درج مشخصات مزبور در دفتر مخصوص و رایانه، با رعایت مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی، نظارت لازم را برای رعایت حقوق این افراد اعمال می‌نماید و فهرست کامل آنان را در پایان هرروز به رئیس کل دادگستری استان مربوط اعلام می‌کند تا به همان نحو ثبت شود.

والدین، همسر، فرزندان، خواهر و برادر این اشخاص می‌توانند از طریق مراجع مزبور از تحت نظر بودن آنان اطلاع یابند. پاسخگویی به بستگان فوق درباره تحت نظر قرار گرفتن تا حدی که باحیثیت اجتماعی و خانوادگی اشخاص تحت نظر منافات نداشته باشد، ضروری است. (ماده ۴۹)

- لزوم اطلاع‌رسانی موضوع بازداشت افراد به خانواده‌ها

بر اساس مواد ۵۰ و ۵۱ شخص تحت نظر می‌تواند به وسیله تلفن یا هر وسیله ممکن، افراد خانواده یا آشنایان خود را از تحت نظر بودن آگاه کند و ضابطان نیز مکلفاند مساعدت لازم را در این خصوص به عمل آورند، مگر آنکه بنا بر ضرورت تشخیص دهند که شخص تحت نظر نباید از چنین حقی استفاده کند. در این صورت باید مراتب را برای اخذ دستور مقتضی به اطلاع مقام قضائی برسانند. ضمانت اجرا این موضوع ماده ۵۷۰ تعزیرات است.

بنا به درخواست شخص تحت نظر یا یکی از بستگان نزدیک وی، یکی از پزشکان به تعیین دادستان از شخص تحت نظر معاینه به عمل می‌آورد. گواهی پزشک در پرونده ثبت و ضبط می‌شود.

- ضرورت ثبت دقیق اظهارات و تفهیم مکتوب حقوق متهم

به استناد مواد ۵۲ و ۵۳ هرگاه متهم تحت نظر قرار گرفت، ضابطان دادگستری مکلفاند حقوق مندرج در قانون آ.د.ک ۱۳۹۲ در مورد شخص تحت نظر را به متهم تفهیم و به صورت مکتوب در اختیار وی قرار دهند و رسید دریافت و ضمیمه پرونده کنند. قانون سابق فاقد ترتیب مزبور بوده است.

همچنین ضابطان دادگستری مکلفاند اظهارات شخص تحت نظر، علت تحت نظر بودن، تاریخ و ساعت آغاز آن، مدت بازجویی، مدت استراحت بین دو بازجویی و

تاریخ و ساعتی را که شخص نزد قاضی معرفی شده است را در صورت مجلس قید کنند و آن را به امضاء یا اثرانگشت او برسانند.
ضابطان همچنین مکلفاند تاریخ و ساعت آغاز و پایان تحت نظر بودن را در دفتر خاصی ثبت و ضبط کنند.

- بازرسی در جرایم مشهود و کشف ادله و آثار جرم دیگر

ورود به منازل، اماکن تعطیل و بسته و تفتیش آن‌ها، همچنین بازرسی اشخاص و اشیاء در جرائم غیر مشهود با اجازه موردی مقام قضائی است، هر چند وی اجرای تحقیقات را به‌طور کلی به ضابط ارجاع داده باشد (ماده ۵۵).

چنانچه ضابطان دادگستری در هنگام بازرسی محل، ادله، اسباب و آثار جرم دیگری را که تهدیدکننده امنیت و آسایش عمومی جامعه است مشاهده نمایند، ضمن حفظ ادله و تنظیم صورت مجلس، بلافاصله مراتب را به مرجع قضائی صالح گزارش و وفق دستور وی عمل خواهند کرد (ماده ۵۷).

- لزوم ارائه مدرک شناسایی و دستور قضایی در بازرسی‌ها

ضابطان دادگستری باید به هنگام ورود به منازل، اماکن بسته و تعطیل، ضمن ارائه اوراق هویت ضابط بودن خود، اصل دستور قضائی را به متصرف محل نشان دهند و مراتب را در صورت مجلس قید نمایند و به امضاء شخص یا اشخاص حاضر برسانند. در صورتی که این اشخاص از رؤیت امتناع کنند، مراتب در صورت مجلس قید می‌شود و ضابطان بازرسی را انجام می‌دهند (ماده ۵۸).

- ضرورت شماره‌گذاری اوراق پرونده و عدم اجبار و اکراه متهمین

ضابطان دادگستری مکلفاند اوراق بازجویی و سایر مدارک پرونده را شماره‌گذاری نمایند، در صورت مجلسی که برای مقام قضائی ارسال می‌کنند، تعداد کل اوراق پرونده را مشخص کنند. همچنین بر اساس تبصره ماده مذکور، رعایت مفاد این ماده در خصوص شماره‌گذاری اوراق پرونده توسط مدیر دفتر در دادسرا و دادگاه، الزامی و تخلف از آن موجب محکومیت به سه ماه تا یک سال انفصال از خدمات دولتی است (ماده ۵۹).

در بازجویی‌ها اجبار یا اکراه متهم، استفاده از کلمات موهن، طرح سؤالات تلقینی یا اغفال‌کننده و سؤالات خارج از موضوع اتهام ممنوع است و اظهارات متهم در پاسخ به چنین سؤالاتی و همچنین اظهاراتی که ناشی از اجبار یا اکراه است، معتبر نیست. تاریخ، زمان و طول مدت بازجویی باید در اوراق صورت‌مجلس قید شود و به امضاء یا اثرانگشت متهم برسد (ماده ۶۰).

– الزام ضابطان به رعایت مقررات تحقیقات مقدماتی

برابر ماده ۶۱ تمام اقدامات ضابطان دادگستری در انجام تحقیقات باید مطابق ترتیبات و قواعدی باشد که برای تحقیقات مقدماتی مقرر است. بر اساس ماده ۹۰ تحقیقات مقدماتی، مجموعه اقدامات قانونی است که از سوی بازپرس یا دیگر مقامات قضائی، برای حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم انجام می‌شود.

همچنین برابر ماده ۹۱ تحقیقات مقدماتی به‌صورت محرمانه صورت می‌گیرد، مگر در مواردی که قانون به نحو دیگری مقرر نماید. کلیه اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی حضور دارند موظف به حفظ این اسرار هستند و در صورت تخلف، به مجازات جرم افشای اسرار شغلی و حرفه‌ای محکوم می‌شوند.

– ارجاع تحقیقات مقدماتی از سوی بازپرس به ضابطان دادگستری

بازپرس به‌منظور حمایت از بزه دیده، شاهد، مطلع، اعلام‌کننده جرم یا خانواده آنان و همچنین خانواده متهم در برابر تهدیدات، در صورت ضرورت، انجام برخی اقدامات احتیاطی را به ضابطان دادگستری دستور می‌دهد. ضابطان دادگستری مکلف به انجام دستورها و ارائه گزارش به بازپرس خواهند بود (ماده ۹۷).

به استناد ماده ۹۸ بازپرس باید شخصاً تحقیقات و اقدامات لازم را به‌منظور جمع‌آوری ادله وقوع جرم به عمل آورد، ولی می‌تواند در غیر جرائم موضوع بندهای الف، ب، پ و ت ماده (۳۰۲) این قانون، تفتیش، تحقیق از شهود و مطلعان، جمع‌آوری اطلاعات و ادله وقوع جرم و یا هر اقدام قانونی دیگری را که برای کشف جرم لازم بدانند، پس از دادن تعلیمات لازم به ضابطان دادگستری ارجاع دهد که در این صورت، ضمن نظارت، چنانچه تکمیل آن‌ها را لازم بداند، تصمیم مقتضی اتخاذ

می‌کند. سؤال دیگر اینکه در چه جرائمی انجام تحقیقات مقدماتی ممنوع است؟

الف- در جرائم منافی عفت: طبق ماده ۱۰۲ انجام هرگونه تعقیب و تحقیق در جرم زنا و لواط و سایر جرائم منافی عفت ممنوع است و پرسش از هیچ فردی در این خصوص مجاز نیست، مگر در مواردی که جرم در مرئی و منظر عام واقع شود و یا دارای شاکی باشد که در این صورت، تعقیب و تحقیق فقط در محدوده شکایت و یا اوضاع و احوال مشهود توسط قاضی دادگاه انجام می‌شود.

بر اساس تبصره‌های ماده مرقوم در جرم زنا و لواط و سایر جرائم منافی عفت هرگاه شاکی وجود نداشته باشد و متهم بدو قصد اقرار داشته باشد، قاضی وی را توصیه به پوشاندن جرم و عدم اقرار می‌کند. قاضی مکلف است عواقب شهادت فاقد شرایط قانونی را به شاهدان تذکر دهد. در جرائم مذکور در این ماده، اگر بزه دیده محجور باشد، ولی یا سرپرست قانونی او حق طرح شکایت دارد. در مورد بزه دیده بالغی که سن او زیر هجده سال است، ولی یا سرپرست قانونی او نیز حق طرح شکایت دارد.

ب- در جرائم اطفال و نوجوانان: بر اساس ماده ۲۸۵ قانون آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ «در معیت دادگاه اطفال و نوجوانان و در محل آن، شعبه‌ای از دادرسی عمومی و انقلاب با عنوان دادرسی ویژه نوجوانان به سرپرستی یکی از معاونان دادستان و با حضور یک یا چند بازپرس، تشکیل می‌شود. تحقیقات مقدماتی جرائم افراد پانزده تا هجده سال به جز جرائم موضوع مواد (۳۰۶) و (۳۴۰) این قانون که به‌طور مستقیم از سوی دادگاه صورت می‌گیرد، در این دادرسی به عمل می‌آید».

تحقیقات مقدماتی تمامی جرائم افراد زیر پانزده سال به‌طور مستقیم در دادگاه اطفال و نوجوانان به عمل می‌آید و دادگاه مذکور کلیه وظایفی را انجام می‌دهد که طبق قانون بر عهده ضابطان دادگستری و دادرسی است. در جرائم مشهود، هرگاه مرتکب، طفل یا نوجوان باشد، ضابطان دادگستری مکلفاند نسبت به حفظ آلات، ادوات، آثار، علائم و دلایل جرم اقدام نمایند، لکن اجازه تحقیقات مقدماتی از طفل یا نوجوان را ندارند و در صورت دستگیری وی، موظفاند متهم را حسب مورد، فوری به دادرسی یا دادگاه اطفال و نوجوانان تحویل دهند. انقضای وقت اداری و نیز ایام تعطیل

مانع از رجوع به دادسرا یا دادگاه اطفال و نوجوانان نیست.

- ممنوعیت قلم‌خوردگی بر گه تحقیقات و تحمیل هزینه به بزه دیده

نوشتن بین سطور، قلم‌خوردگی و تراشیدن کلمات در اوراق بازجویی و تحقیقات، ممنوع است. اگر یک یا چند کلمه اضافه شود باید بر روی آن خط نازکی کشیده و این موضوع قید شود و بازپرس و شخصی که تحقیق از او به عمل می‌آید، آن را امضاء کنند. همچنین اگر یک یا چند کلمه از قلم‌افتاده و در حاشیه نوشته شود، اشخاص یادشده باید زیر آن را امضاء کنند. هرگاه این ترتیب رعایت نشود، کلمات و خطوط مزبور فاقد اعتبار است.

رعایت مقررات این ماده در تمام مراحل دادرسی از سوی مقامات قضائی و ضابطان دادگستری الزامی است. در صورت قلم‌خوردگی جزئی موضوع باید در ذیل برگه توضیح داده‌شده و به امضاء اشخاص فوق برسد (ماده ۱۱۵).

تحمیل هزینه‌های ناشی از انجام وظایف ضابطان نسبت به کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی و یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، دستگیری وی، حمایت از بزه دیده و خانواده او در برابر تهدیدات، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضائی تحت هر عنوان بر بزه دیده ممنوع است (ماده ۶۲). به استناد ماده ۶۳ تخلف از مقررات مواد (۳۰)، (۳۴)، (۳۵)، (۳۷)، (۳۸)، (۳۹)، (۴۰)، (۴۱)، (۴۲)، (۴۹)، (۵۱)، (۵۲)، (۵۳)، (۵۵)، (۵۹) و (۱۴۱) این قانون توسط ضابطان، موجب محکومیت به سه ماه تا یک سال انفصال از خدمات دولتی است.

- وظایف ضابطان در معاینه محل و حفظ صحنه جرم

الف- انجام معاینه محل و تحقیقات محلی: به استناد ماده ۱۲۵ معاینه محل و تحقیق محلی توسط بازپرس یا به دستور او توسط ضابط دادگستری انجام می‌شود. هنگام معاینه محل، اشخاصی که در امر کیفری شرکت دارند می‌توانند حاضر شوند، اما عدم حضور آنان، مانع از انجام معاینه نیست. هرگاه حضور متهم یا سایر اشخاصی که در امر کیفری شرکت دارند در هنگام معاینه محل ضروری باشد، مکلف‌اند به دستور بازپرس در محل حاضر شوند.

همچنین برابر ماده ۱۲۶ هنگام تحقیق محلی و معاینه محل، چنانچه بازپرس

لازم بدانند، شخصاً حاضر می‌شود؛ اما در جرائم موضوع بند «الف» ماده ۳۰۲ (سلب حیات) این قانون و همچنین هنگام معاینه اجساد، مکلف است شخصاً و در اسرع وقت حضور یابد.

ب- تنظیم صورت جلسه تحقیق و معاینه محلی: برابر ماده ۱۲۹ هنگام تحقیق محلی و معاینه محل، تمام آثار و نشانه‌های مشهود و مکشوف که به نحوی در قضیه مؤثر است، به دستور بازپرس توسط کارشناسان جمع‌آوری و در صورت مجلس قید می‌شود و به امضای اشخاص دخیل در موضوع می‌رسد.

پ- محصور نمودن صحنه جرم: بر اساس ماده ۱۳۳ ضابطان دادگستری مکلفاند در جرائم منجر به سلب حیات، صحنه جرم و محل کشف جسد را با وسایل مناسب محصور کنند و تا حضور بازپرس یا صدور دستور لازم برای معاینه محل، در صورت ضرورت از ورود افراد و خروج آنان از محل جلوگیری کنند.

ت- بررسی صحنه جرم: مطابق ماده ۱۳۰ صحنه جرم باید توسط گروه بررسی صحنه جرم که حسب مورد، متشکل از پزشک قانونی، کارشناسان بررسی صحنه جرم و تشخیص هویت، کارآگاهان نیروی انتظامی و عنداللزوم سایر کارشناسان است، تحت نظارت بازپرس و در صورت ضرورت به سرپرستی وی بررسی شود. حدود اختیارات، شرح وظایف و چگونگی بررسی صحنه جرم توسط این گروه به موجب آیین‌نامه اجرائی است که ظرف شش ماه از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون توسط وزیر دادگستری و وزیر کشور با همکاری نیروی انتظامی و سازمان پزشکی قانونی کشور تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

ث- حفاظت از ادله وقوع جرم به دستور بازپرس: طبق ماده ۱۳۵ هرگاه ادله وقوع جرم، مواردی از قبیل مایعات ریخته شده و غیرقابل انتقال از محل باشد تا جمع‌آوری آنها، بازپرس برای حفظ ادله یادشده اقدام می‌کند و اگر لازم بداند محل را قفل یا مهروموم می‌کند و حفاظت آنها را به ضابط دادگستری می‌سپارد.

- شیوه جلب و ابلاغ احضارنامه

الف- ابلاغ احضارنامه: بر اساس مواد ۱۷۱ تا ۱۷۳ قانون مرقوم فاصله میان ابلاغ اوراق احضاریه و زمان حضور نزد بازپرس نباید کمتر از پنج روز باشد. ابلاغ احضاریه

توسط مأموران ابلاغ بدون استفاده از لباس رسمی و با ارائه کارت شناسایی انجام می‌شود. هرگاه شخص احضار شده بی‌سواد باشد، مأمور ابلاغ، مفاد احضاریه را به وی تفهیم می‌کند.

ب- نحوه جلب متهم: بر اساس مواد ۱۸۲ و ۱۸۳ این قانون مأمور جلب پس از ابلاغ برگه جلب، متهم را دعوت می‌کند که با او نزد بازپرس حاضر شود. چنانچه متهم امتناع کند، مأمور او را جلب و تحت‌الحفظ نزد بازپرس حاضر می‌نماید و در صورت نیاز می‌تواند از سایر مأموران کمک بخواهد. همچنین جلب متهم به‌استثنای موارد ضروری باید در روز به عمل آید و در همان روز به‌وسیله بازپرس و یا قاضی کشیک تعیین تکلیف شود.

پ- نحوه جلب سیار: بر اساس ماده ۱۸۴ در صورتی که متواری بودن متهم به نظر بازپرس محرز باشد، برگه جلب با تعیین مدت اعتبار در اختیار ضابطان دادگستری قرار می‌گیرد تا هر جا متهم را یافتند، جلب و نزد بازپرس حاضر کنند.

همچنین طبق تبصره‌های ماده مزبور چنانچه جلب متهم به هر علت در مدت تعیین‌شده میسر نشود، ضابطان مکلف‌اند علت عدم جلب متهم را گزارش کنند. در صورت ضرورت، بازپرس می‌تواند برگه جلب را برای مدت معین در اختیار شاکی قرار دهد تا با معرفی او، ضابطان حوزه قضائی مربوط، متهم را جلب کنند و تحویل دهند. در صورتی که متهم در منزل یا محل کار خود یا دیگری مخفی شده باشد، ضابطان باید حکم ورود به آن محل را از مقام قضائی اخذ کنند.

ت- اعزام فوری مجلوب نزد بازپرس: به استناد ماده ۱۸۵ ضابطان دادگستری مکلف‌اند متهم جلب شده را بلافاصله نزد بازپرس بیاورند و در صورت عدم دسترسی به بازپرس یا مقام قضائی جانشین، در اولین وقت اداری، متهم را نزد او حاضر کنند. در صورت تأخیر از تحویل فوری متهم، باید علت آن و مدت‌زمان نگهداری در پرونده درج شود. به‌هرحال مدت نگهداری متهم تا تحویل وی به بازپرس یا قاضی کشیک نباید بیش از بیست‌وچهار ساعت باشد.

بر اساس تبصره ماده مذکور رعایت مقررات مواد (۴۹) تا (۵۳) این قانون در خصوص متهمان موضوع این ماده الزامی است.

ث- اجرای دستور قاضی اجرای احکام: طبق ماده ۴۹۶ تمام ضابطان دادگستری، نیروهای انتظامی و نظامی، مقامات و مستخدمان وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی و سازمان‌ها و نهادهایی که شمول قانون بر آنان مستلزم ذکر یا تصریح نام است، در حدود وظایف خود مکلفاند دستور قاضی اجرای احکام کیفری را در مقام اجرای رأی که مرتبط با اجرای آن است رعایت کنند. متخلف از مقررات این ماده، علاوه بر تعقیب انتظامی و اداری، به مجازات مقرر قانونی نیز محکوم می‌شود.

نتیجه‌گیری

گرچه در جریان مباحث مطروحه، مطالب لازم یادآوری شد، لیکن با احتراز از اطاله کلام تنها به برخی نکات مهم و کلیدی که می‌توان از مطالب و مباحث تحقیق نتیجه گرفت یا در قالب راهکارهای اصلاحی می‌تواند مدنظر پژوهشگران قرار گیرد، در ذیل اشاره می‌شود.

- ضابطان دادگستری را فقط قانون معین می‌کند و تعیین آن، به نظر و سلیقه اشخاص بستگی ندارد. نظارت بر ضابطان دادگستری از حیث وظایفی که بر عهده‌دارند با دادستان بوده و کلیه ضابطان دادگستری مکلفاند دستورات مقامات قضائی را اجرا نمایند. علت توجه قانون‌گذار به این موضوع، حساسیتی است که در تشکیل پرونده کیفری وجود دارد. بدین جهت بسیار واضح و روشن است که در راستای تحقق عدالت کیفری افراد آموزش‌دیده و دارای مهارت شغلی مناسب به‌عنوان ضابطان دادگستری انتخاب شوند.

- مأموریت‌های پلیس به‌ویژه در مقام ضابط دادگستری در اکثر کشورهای مختلف به‌طور مستقیم با حقوق و آزادی‌های بنیادین شهروندان مرتبط است. به همین جهت توجه خاصی به این وظایف در قانون اساسی و قوانین و مقررات آیین دادرسی و اسناد بین‌المللی حقوق بشر شده است. ضابطان دادگستری به‌عنوان بازوی اجرایی دولت در عرصه حفظ نظم عمومی با حقوق افراد مستقیماً در تعامل است؛ بنابراین آموزش و التزام آنان به اصل رعایت حقوق شهروندان در ترویج و گسترش احساس

امنیت افراد جامعه، فرهنگ قانون‌مداری، کاهش هزینه‌ها و کمیت پرونده‌های اتهامی در دستگاه قضایی بسیار حائز اهمیت است.

• تعامل و مشارکت پلیس با مدیران مدارس، روسای دانشگاه‌ها، صداوسیما، اصحاب رسانه و مطبوعات، ائمه جمعه و جماعات، اصناف، اقشار مختلف جامعه به‌ویژه قشر جوان، به‌عنوان قسمتی از جامعه محلی، فرصت مطلوبی برای تقویت اعتماد و تحکیم و انسجام روابط فی‌مابین و حل مسائل و معضلات اجتماعی با جذب مشارکت مردمی ایجاد می‌کند. هرچقدر دانش حقوقی ضابطان دادگستری از تکالیف و مسئولیت‌های در قانون آیین دادرسی کیفری کم باشد، احتمال نقض حقوق دفاعی متهم بیشتر خواهد بود، از این‌رو یکی از مؤثرترین اقدامات استمرار آموزش‌های تخصصی به ضابطان است.

• با توجه به اینکه در قانون آ.د.ک ۱۳۹۲ علاوه بر وثاقت و مورد اعتماد بودن، شرط احراز عنوان ضابط دادگستری را منوط به فراگیری مهارت‌های لازم زیرنظر مرجع قضایی نموده است، آموزش تخصصی، مستمر و فراگیر ضابطان دادگستری به‌عنوان حلقه ارتباطی بین دستگاه قضا و آحاد جامعه، می‌تواند نقش مؤثری در فرایند بهبود عملکرد سیستم دادرسی، افزایش رضایتمندی مردم، کاهش اطاله دادرسی، اجرای عدالت کیفری و مصون ماندن ضابطان دادگستری از استفاده نامناسب از اهرم قدرت در اختیار ایفاء نماید.

پیشنهادها

- برگزاری مستمر دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی برای ضابطان شاغل در دوائر قضایی کوپ، ادارات آگاهی، مواد مخدر و... جهت ارتقاء سطح دانش و مهارت‌های قضایی آنان باهدف اصلاح روند رسیدگی به پرونده‌های کیفری.
- توجه ویژه به آموزش دروس حقوقی در مراکز آموزش ناجا (به‌ویژه در خصوص جرائم مشهود و غیرمشهود و حقوق متهمین).
- تلاش برای بهبود روابط بین ضابطان دادگستری و شهروندان از طریق مطالعات روان‌شناسانه و توجه به آداب و سنن، موقعیت جغرافیایی و بافت شخصیتی اقشار

مختلف مردم در مناطق گوناگون.

• آگاه‌سازی مردم در خصوص حقوق شهروندی و گسترش اطلاعات شهروندان در خصوص وظایف و اختیارات ضابطان دادگستری از طرق مختلف و بسط اطلاع‌رسانی در زمینه‌های گوناگون.

• بازدید و نظارت فرماندهان از نحوه تشکیل و پیگیری پرونده‌های قضایی در حوزه استحضایی و چگونگی برخورد مأمورین تحت امر با اصحاب دعوی.

• استفاده مطلوب از رسانه ملی در زمینه آموزش صحیح قوانین حقوقی و وظایف قانونی مأمورین پلیس و ضابطان دادگستری به شهروندان در جریان پخش فیلم‌های پلیسی.

منابع

- آخوندی، محمود (۱۳۶۸)، «آیین دادرسی کیفری»، جلد دوم، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، زمستان.

- آخوندی، محمود (۱۳۶۹)، «آیین دادرسی کیفری»، جلد چهارم، انتشارات اشراق قم، چاپ اول.

- آشوری، محمد (۱۳۸۴)، «آیین دادرسی کیفری»، تهران، انتشارات سمت، جلد ۱ و ۲.

- انصاف پور، غلامرضا (۱۳۶۵)، «فرهنگ لغات فارسی»، تهران: انتشارات زوار، چاپ اول.

- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۰)، «ترمینولوژی حقوق»، گنج دانش، چاپ گلشن.

- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۶۹)، «مقدمه عمومی علم حقوق»، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ احمدی، چاپ دوم.

- دهخدا، علی‌اکبر (۱۲۳۰)، «لغت‌نامه دهخدا» جلد ۳۱، تهران: چاپ دانشگاه تهران.

- رضوی، محمد (۱۳۹۱)، «پلیس و استانداردهای حقوق بشری»، تهران: دانشگاه علوم انتظامی ناجا.

- سیاح، ع (۱۳۷۳)، «فرهنگ جامع»، تهران: انتشارات اسلام، چاپ دوم، پاییز.
- عالیخانی، محمد (۱۳۷۳)، «حقوق اساسی»، تهران: انتشارات دستان، چاپ اول، صص ۳۵ و ۴۵.
- قاسم پور، ابوالقاسم، «ضابطین قوه قضاییه و وظایف آنها در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ و قوانین متفرقه».
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸.
- قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴.
- کاتوزیان، دکتر ناصر (۱۳۶۹)، «مقدمه عمومی علم حقوق»، انتشارات بهمن.
- مهابادی، علی اصغر (۱۳۸۹)، «ضابطین دادگستری در قوانین کیفری ایران»، فصلنامه الهیات و حقوق، شماره ۶.
- میر شفیعیان، بی نا. «جزوه آموزشی پلیس و اجتماع»، تهران: انتشارات آریا، سازمان پلیس قضایی، چاپ اول، ۱۳۵۵، ص ۴۲.

